

جنگ فاجعه‌بار لبنان نه جنگ بین "اسلام" و "صهیونیسم" بلکه جنگ بین قدرت‌های امپریالیستی برای گسترش سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی خویش در منطقه و برای داشتن دست بالا در غارت و استثمار مردم زحمتکش و محروم این منطقه می‌باشد.

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۴۵ - ۱۵ مرداد ۱۳۸۵



در جنگ ضد خلقی لبنان چه کسی پشت سر چه کسی است؟

و آوارگی و خانه‌خرابی صدها هزار تن از توده‌های تحت ستم این منطقه، تنها یکی از عواقب وحشتناک و کوتاه‌مدت این جنگ ضد خلقی را به نمایش می‌گذارد.

تصویر می‌کشند که با کارگردانی امپریالیست‌ها و ارتش جنایتکار اسرائیل و با آتش بیاری دارودسته‌های ضد انقلابی ارتجاعی نظیر حزب‌الله، منطقه خاورمیانه را بار دیگر به جهنمی برای مردم محروم و مبارز آن بدل ساخته است. هزاران کشته و زخمی

جنایت نیروهای اسرائیلی در روستای قانا اتفاق افتاد- طنین فریاد ضجه و درد بازماندگان و مجروحین که در پی هر حمله نابودکننده ارتش اسرائیل در سوگ عزیزانشان فریاد می‌کشند، ویرانی خانه و کاشانه و پل‌ها و مراکز اقتصادی و غیرنظامی و... همه و همه جلوه‌های غیرقابل توصیف جنگ جنایتکارانه‌ای را در مقابل چشمان مردم به

تداوم هجوم وحشیانه ارتش اسرائیل به لبنان و ادامه بمباران و قصابی مردم بیگناه این کشور، صحنه هولناک یکی از جنایتکارانه‌ترین جنگ‌های جاری را به عینه در مقابل چشم جهانیان قرار داده است. کشتار صدها تن از توده‌های بیگناه و نمایش اجساد در خون غلطیده و پاره پاره زنان و مردان و بویژه کودکان- خصوص آنچه که در جریان

(ادامه در صفحه ۲)

فقر و خودکشی زنان

خبر بسیار کوتاه بود، طویبی سعیدی زنی ۴۰ ساله در روز ۲۰ تیر ۸۵ جسم خود را به آبهای رودخانه سیروان در منطقه دوآب سپرد تا با پایان دادن به زندگی‌اش خود را از زیر بار شرایط پر مشقت و فقر بی‌پایان نجات دهد. طویبی بر اثر فقر شدید اقتصادی، توان خود را برای ادامه زندگی از دست داد و به جرگه هزاران زن بی‌پناهی پیوست که در سیستم ظالمانه سرمایه‌داری جمهوری اسلامی راهی جز پایان دادن به زندگی خود نمی‌یابند. این، اولین بار نیست که زنی به دلیل فشارهای شدید اقتصادی و اجتماعی دست به خودکشی می‌زند، ولی در رژیم زن‌ستیز و ضد انسانی جمهوری اسلامی که خود مسئول مستقیم نابسامانی‌های جامعه می‌باشد، ضمن بی‌اهمیت جلوه دادن این معضل مهم اجتماعی، همواره سعی شده است روی علت و زمینه واقعی این امر سرپوش گذاشته شود.

خودکشی هم مثل سایر آسیب‌های اجتماعی با وجود داشتن ابعاد گوناگون می‌تواند بر اثر فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوجود آید، ولی واقعیت این است که در شرایط کنونی، ریشه اصلی آن همواره به مناسبات ظالمانه نظام سرمایه‌داری و مردسالارانه‌ای برمی‌گردد که هر روز برای سود و منافع بیشتر، انسان دیگری را به طعمه خود می‌گیرد. در ایران، خودکشی و خودسوزی زنان یکی از غم‌انگیزترین آسیب‌های اجتماعی است که گسترش فقر، عامل بسیار موثر در این تراژدی انسانی می‌باشد. چند وقت پیش هم شاهد خودکشی مادر و دختر دیگری بودیم که چون نمی‌خواستند برای امرار معاش تن به خودفروشی دهند، همزمان به زندگی خود پایان دادند.

فرمان "خصوصی سازی" به

منافع چه کسانی خدمت

می‌کند؟

در کشاکش مسایل مربوط به "بحران پرونده هسته ای جمهوری اسلامی" و چگونگی برخورد امپریالیست‌ها با این رژیم، در هفته‌های اخیر ولی فقیه حکومت، با صدور فرمانی به رؤسای سه قوه، دستور واگذاری ۸۰ درصد از سهام کارخانجات و بنگاه‌های بزرگ دولتی به "بخش خصوصی" و "تعاونیها" را صادر کرد. در صورت تحقق یافتن این فرمان، که ابتدا در بالاترین مراکز تصمیم‌گیری حکومت (مجمع تشخیص مصلحت نظام) گرفته شده، صنایع مادر و معادن بزرگ، (به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت تولید نفت خام و گاز)، بانک‌های دولتی (به استثنای بانک مرکزی)، شرکت‌های بیمه دولتی (به استثنای بیمه مرکزی و بیمه ایران) و بخش اعظم صنایع کشتیرانی، برق، صنایع نظامی و شبکه‌های مخابراتی و... به بخش غیردولتی واگذار خواهد شد.

(ادامه در صفحه ۲)



در جنگ ضدخلفی لبنان

چه کسی پشت سر چه کسی ست؟

بقیه از صفحه ۱

در چنین شرایط هولناکی، کوشش آشکار بلندگوهای تبلیغاتی بورژوازی از نخستین روز آغاز این جنگ ضدخلفی بر آن استوار شده که دلیل اصلی هجوم ارتش اسرائیل برای اشغال جنوب لبنان را صرفا ربوده شدن دو سرباز اسرائیلی توسط دارودسته ضدانقلابی "حزب الله" جا بزنند. امری که در طول سالیان مدید و در جریان "مناقشه" خاورمیانه به کرات اتفاق افتاده و هیچگاه به چنین واکنش گسترده- یعنی یک جنگ تمام عیار- از سوی اسرائیل منجر نشده است. به رغم مخالفت قاطعانه افکار عمومی جهان با تداوم این جنگ جنایتکارانه، واقعیتی که خود را در وقوع تظاهرات‌های وسیع ضدجنگ در اروپا و آمریکا و سایر نقاط جهان نشان داده و به رغم درخواست آتش‌بس فوری و بدون قید و شرط و توقف کشتار مردم و عدم تداوم این جنگ ویرانگر، قدرت‌هایی چون دولت آمریکا و انگلیس با هرگونه "آتش‌بس" بدون "حل مسایل دیگر"، بیشرمانه و آشکارا مخالفت می‌کنند؛ و همین امر باعث شده تا ارتش اسرائیل، این چماق شناخته‌شده امپریالیسم آمریکا در منطقه، بتواند به اعمال ضدخلفی خویش یعنی کشتار مردم و ویرانی کاشانه و منابع آنها ادامه دهد و بی‌پروا از هرگونه بازخواست و "قوانین بین‌المللی" نقشه‌های جهانخوارانه اربابان خویش را به پیش ببرد. بنا به گزارشاتی که حتی از سوی خود مقامات اسرائیلی و آمریکایی تکذیب نمی‌گردند، نقشه هجوم ارتش اسرائیل برای اشغال لبنان و تضعیف دولت مرکزی این کشور از مدتها قبل آماده شده است. این واقعیات قبل از هر چیز نشان‌دهنده منافع ضدخلفی بسیار بزرگتری- فراتر از "آزادی" ۲ سرباز اسرائیلی- است که در پشت این بحران قرار گرفته است. انعکاس این حقیقت را می‌توان در مواضع رسمی صریح مقامات آمریکایی دید که در مقابل خواست دولت‌های رقیب و در رأس آنها فرانسه برای "آتش‌بس فوری" و "مذاکره برای یافتن راه حل"، بیشرمانه از زبان وزیر امور خارجه خود "کاندلیسا رایس" اعلام می‌کنند که "من سودی در دیپلماسی نمی‌بینم، اگر قرار باشد که اوضاع به روال قبل از هجوم ارتش اسرائیل به لبنان بازگردد. من فکر می‌کنم که چنین امری یک اشتباه خواهد بود. آنچه در اینجا ما شاهد آنیم، به تعبیری آغاز کار و دردهای قبل از زایمان یک خاورمیانه جدید است. ما هرچه بکنیم یا نکنیم، باید این چنین را

به سمت جلو و بیرون برانیم و نه به سمت عقب."

در مقابل، دولت فرانسه نیز در کشاکش این بحران از یک سو نخست وزیر خویش "دومینیک ویل پین" را به لبنان فرستاد تا "حمایت" کشورش از دولت لبنان و مقاومت در برابر لشکرکشی اسرائیل را به اطلاع مقامات آن کشور برساند و از سوی دیگر کوشید تا در جریان اجلاس سران کشورهای صنعتی (جی ۸) در سن پترزبورگ روسیه، آمریکا را تحت فشار قرار دهد که عملیات نیروهای اسرائیلی در لبنان، که در حقیقت برعلیه منافع فرانسه در منطقه هم هست را قطع نماید و مسایل را از طریق "مذاکره" با فرانسه و دولت لبنان به پیش ببرد. اما در جریان این نشست، جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا برای از بین بردن هرگونه شبهه‌ای در مورد عزم آمریکا در تداوم بحران و جنگ، وقیحانه به رقبای فرانسوی و شرکای آنها اعلام کرد "آنچه در حال حاضر در لبنان و فلسطین می‌گذرد، یک عملیات اسرائیلی مورد حمایت آمریکا نیست؛ بلکه یک عملیات آمریکایی‌ست که بوسیله اسرائیل انجام می‌پذیرد" (به نقل از مقاله "تیری میسان" روزنامه نگار فرانسوی و بنیانگذار شبکه فرانسوی - جهانی وولتر)

بدنبال چنین اعلامی بود که نخست‌وزیر لبنان نیز برنامه سفر وزیر خارجه آمریکا به لبنان در روزهای اخیر را لغو نمود و از او خواست که به لبنان نرود چرا که در آنجا به او "خوش آمد"ی نخواهند گفت! در تداوم این تضادها، دولت فرانسه رسماً اعلام کرد که پیشنهاد آمریکا برای برچیدن نیروی نظامی حزب‌الله و جایگزین کردن یک "نیروی صلح بین‌المللی" در جنوب لبنان را قبول نکرده و این نیرو را "تحریم" خواهد نمود.

واقعیت این است که شعله‌های جنگ خانمانسوزی که اکنون و یکبار دیگر بطور روزمره حیات و کاشانه توده‌های تحت ستم لبنان را می‌سوزاند، اساساً یک جنگ امپریالیستی است. تضاد آشکار بین امپریالیست‌های آمریکا و فرانسه نیز که در حوزه دیپلماسی بروز می‌کند، در واقع بیانگر تضاد منافع است که آمریکا و فرانسه در لبنان دارند. جنگ اخیر اسرائیل را یک "عملیات آمریکائی" خواندن "که بوسیله اسرائیل انجام می‌پذیرد" و در مقابل درخواست فرانسه برای آتش‌بس، اعلام صریح این مطلب که جنگ کنونی در لبنان "دردهای قبل از زایمان یک خاورمیانه جدید" می‌باشد، آشکارا نمایانگر تضاد منافع بین امپریالیسم آمریکا و متحدینش (به طور مشخص، امپریالیسم انگلیس) با امپریالیسم فرانسه و دیگر دول امپریالیستی بوده و ماهیت و دلایل

واقعی جنگ بربرمنشانه و ارتجاعی اخیر در لبنان را نشان می‌دهد.



همه می‌دانند که منطقه خاورمیانه و بویژه لبنان از دیرباز بدلیل موقعیت استراتژیک خویش و بدلیل وجود ثروت‌ها و منابع بسیار وسیع و غنی خود یکی از کانون‌های تاخت و تاز دولت‌های جهانخوار امپریالیستی بوده و در اثر رقابت‌های ضدخلفی این دولت‌ها برای اعمال سلطه و استیلایشان بر منابع منطقه و استثمار غارت توده‌ها، این منطقه به یکی از گره‌گاه‌های تضادهای امپریالیستی در سطح بین‌المللی بدل گشته است. در چارچوب این تضادهاست که ما می‌بینیم دول امپریالیستی سالها لبنان را به صحنه یک جنگ داخلی وحشتناک تبدیل کرده و برای سرکوب مبارزات توده‌های لبنانی و فلسطینی از یک سو و تأمین منافع غارتگرانه خویش از سوی دیگر، این کشور را به ویرانی کشانده و حیات توده‌های تحت ستم لبنانی و فلسطینی در منطقه را در زیر چکمه‌های ارتش‌های مزدور اسرائیل و سوریه و همچنین دارودسته‌های مختلف نظامی و شبه‌نظامی وابسته نظیر حزب‌الله و حماس و غیره نابود کردند. از سال‌ها پیش، در نتیجه توافقات بین دول جهانخوار و دارای منافع در لبنان "صلحی" برقرار شد که در چارچوب آن سرانجام ارتش اسرائیل از جنوب لبنان خارج شد، دولت مرکزی لبنان که فرانسه از آن حمایت می‌کرد تشکیل گشت و در حالیکه تمامی نیروهای مبارز و مردمی فلسطین به عنوان یک شرط "صلح" خلع‌سلاح شده و لبنان را ترک کردند، نیروهای ضدانقلابی "حزب‌الله" در کابینه جدید سمت‌هایی را به خود اختصاص دادند و اجازه یافتند تا نیروهای نظامی خویش در این کشور را حفظ کنند. با روی کار آمدن دولت بوش در آمریکا و قرار گرفتن "نقشه خاورمیانه بزرگ" در دستور کار این دولت، بار دیگر مساله فلسطین و لبنان در مرکز توجه آمریکا قرار گرفت و تضادهای بین قدرت‌های امپریالیستی و بویژه آمریکا و فرانسه در این منطقه تشدید شد. بالاخره در دوره اخیر و بدنبال ترور نخست‌وزیر سابق لبنان یعنی رفیق حریری (از مدافعان نفوذ آمریکا در لبنان) سرانجام در اثر فشارهای دولت بوش ارتش سوریه مجبور به ترک لبنان شد و در شرایط ضعف دولت مرکزی لبنان که فاقد یک ارتش قوی و منسجم می‌باشد، نقشه اشغال دوباره لبنان توسط اسرائیل و تحت فشار قرار دادن دولت لبنان بمنظور گسترش سلطه آمریکا در منطقه در مرکز توجه مقامات آمریکایی قرار گرفت. درست بدلیل چنین واقعیاتی است که ما می‌بینیم مقامات ضدخلفی آمریکا بر طبل جنگ می‌کوبند، و در مقابل تمامی رنج و محنتی که جنگ کنونی برای توده‌های منطقه و بویژه توده‌های تحت ستم لبنان و فلسطین به ارمغان آورده، با وقاحت کامل و آشکارا از "زایش" یک خاورمیانه جدید" مطابق با منافع غارتگرانه خویش که بر دریای خون

توده‌ها ساخته می‌شود، داد سخن می‌دهند. هجوم ارتش اسرائیل به لبنان در تداوم این روند است که اتفاق می‌افتد و جنگ فاجعه‌بار لبنان نه جنگ بین "اسلام" و "صهیونیسم" بلکه جنگ بین قدرت‌های امپریالیستی برای گسترش سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی خویش در منطقه و برای داشتن دست بالا در غارت و استثمار مردم زحمتکش و محروم این منطقه می‌باشد.

نیروهای انقلابی و آزادیخواه باید با توجه به حقایق فوق به افشای ماهیت این جنگ و نشان دادن این امر که در جنگ ضدخلفی کنونی "چه کسی پشت سر چه کسی‌ست" بپردازند و از مبارزات توده‌های تحت ستم منطقه برای قطع هرگونه مداخله و آتش‌افروزی امپریالیست‌ها و دارودسته‌های ارتجاعی و مزدور در زندگی خویش، بمنظور رسیدن به آزادی و دمکراسی پایدار در منطقه دفاع نمایند. ■



فرمان "خصوصی سازی" به منافع چه کسانی خدمت می‌کند؟

بقیه از صفحه ۱

مقامات جمهوری اسلامی هدف خویش از این تصمیم را "اجرای سریع روند توسعه"، "اجرای عدالت اجتماعی"، "فقرزدایی" و "تحقق اهداف اقتصادی بلندمدت" اعلام کرده اند و ریاکارانه می‌کوشند تا این اقدام را گامی در جهت تأمین منافع توده‌های تحت ستم ما جا بزنند. اما این ادعاهای بی پایه در شرایطی عنوان می‌گردد که توده‌های محروم ما و بویژه کارگران زحمتکش تجربه "خصوصی سازی"های جمهوری اسلامی را هرچند به صورت محدود آن از دوره هاشمی رفسنجانی به بعد دیده و با پوست و گوشت خود لمس کرده اند که در نظام سرمایه داری وابسته ایران هرجا که رژیم جمهوری اسلامی با ادعای برقراری "عدالت اجتماعی" (و البته با اوامر دولتها و نهادهای امپریالیستی نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول) به "خصوصی سازی" دست زده، این امر تنها و تنها

موجب برداشتن حداقل کنترل‌های دولتی بر سر راه تشدید استثمار و غارت کارگران و زحمتکشان توسط سرمایه داران زالوصفت وابسته، رشد قیمت‌ها و گسترش بیکاری و تورم و در نتیجه تشدید بی حقوقی و گرسنگی آنان بوده است. در اثر همین "خصوصی سازیها"ست که هزاران واحد تولیدی که بدست سرمایه داران وابسته در بخش خصوصی داده شده بود، در طول سالها تعطیل و در نتیجه سودجویی های آنان صدها هزار تن از کارگران ما در شرایط گرسنگی و بی سرپناهی به ارتش ذخیره کار پیوسته اند. اما در این مسیر در عوض جیب سرمایه داران از منافع ناشی از این اقدام پرتو و پرتو گشته است. بی دلیل نیست که اعلام تصمیم رهبر جمهوری اسلامی بیش از هر کس دیگر موجبات استقبال و شغف سرمایه داران زالوصفت وابسته و آقازاده های میلیاردی را فراهم ساخته است.

اما سوای این تاثیرات ضدخلفی، مقامات رژیم جمهوری اسلامی در صدور حکم خصوصی سازی ۸۰ درصد از موسسات دولتی، یک هدف عمده را تعقیب می‌کنند و آن همانا جاده صاف کنی برای هجوم لحام گسیخته تر سرمایه های امپریالیستی به بازار ایران است. بنا به اعتراف خود مقامات حکومت، حجم تقریبی ارزش تمامی مؤسساتی که قرار است از کنترل دولت خارج گردند چیزی بین ۲۵۰ تا ۲۸۰ میلیارد دلار می باشد. با توجه به این واقعیت که مطابق برخی از آمارهای موجود، حجم سرمایه جاری در دست سرمایه داران بخش غیردولتی تنها معادل یک چهارم مبلغ فوق می باشد (تازه اگر منافع آنان ایجاب کند که تمامی این ظرفیت را در خرید مؤسسات مورد بحث در این فرمان بکار اندازند)، کاملاً روشن است که بقیه این مبلغ باید از "منابع خارجی" (به قول کارشناسان اقتصادی حکومت) و به عبارت صحیح امپریالیست‌ها تأمین گردد. امری که معنای آن هجوم هرچه گسترده تر سرمایه های امپریالیستی به بازار ایران و تشدید غارت و چپاول میلیونها تن از کارگران و توده‌های محروم، فقیر و گرسنه ما توسط آنهاست. در شرایط تنشهای فی‌مابین قدرت‌های امپریالیستی و تشدید مسابقه برای کسب بازار و منافع هرچه بیشتر در ایران و رقابت آنان برای غارت وحشیانه تر توده‌های تحت ستم ما ، اقدام اخیر مقامات جمهوری اسلامی، اقدامی به غایت ضدخلفی برای کسب رضایت اربابان امپریالیست‌شان و در رأس آنها امپریالیسم آمریکاست. امری که یکبار دیگر ماهیت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و پوچ بودن تمامی شعارهای به اصطلاح ضدامپریالیستی آن را نشان می دهد. ■



شرکت‌های نفتی. از زمره برندگان جنگ

شرکت نفتی "بریتیش پترولیوم" اعلام کرد که در پایان ۶ ماه اول سال جاری میلادی، این شرکت ۶ میلیارد و ۱۴۰ میلیون پوند سود به چنگ آورده که در مقایسه با مدت مشابه در سال گذشته بیانگر یک افزایش چشمگیر ۸/۵ درصدی است. این مقدار سود در طول تاریخ شرکت مزبور بی سابقه بوده است. رقم فوق نشان می‌دهد که در ۶ ماه اول سال جاری میلادی شرکت "بریتیش پترولیوم" بطور متوسط در هر ساعت یک میلیون و چهارصد هزار پوند سود به جیب زده است. رؤسای این شرکت امپریالیستی اعلام کردند که علت افزایش سود آنها زیاد شدن تقاضا در چین و خاورمیانه از یک سو و صرفه جویی در هزینه تولید (بخوان استخراج و خرید ارزانتر نفت از تولیدکنندگان) بوده است. افزایش سود شرکت‌های غول پیکر نفتی در شرایطی است که این شرکتها نفت خام را با بهایی بسیار نازلتر از قیمت واقعی آن از کشورهای تولید کننده می‌خرند و با سودهای نجومی در نقاط مختلف توزیع می‌کنند. کسب سود بیشتر توسط "بریتیش پترولیوم" در عین حال به موازات گرانتر شدن بی سابقه قیمت خرده فروشی بنزین در کشورهای غربی و بویژه در انگلستان صورت می‌گیرد. در هفته‌های گذشته، قیمت بنزین در انگلستان در پمپ بنزینها به رکورد جدیدی در سالهای اخیر رسید و در برخی جایگاه‌های بنزین به قیمت هر لیتر یک پوند به فروش رفت. شایان ذکر است که شرکت‌های نفتی از زمره برندگان لشکرکشی آمریکا به افغانستان و عراق و شرایط و تهدیدات جنگی ایجاد شده در منطقه خاورمیانه بوده‌اند. سال گذشته شرکت آمریکایی "اکسون موبیل" با درآمد ۱۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به یکی از بالاترین رقمهای درآمد در تاریخ خود دست یافت.



یک خبر از پناهندگان ایرانی در ترکیه

شکایت یک خانواده پناهجوی ایرانی از دولت ترکیه در دادگاه حقوق بشر اروپا به نتیجه رسید و این دادگاه دولت ترکیه را محکوم کرد. روز ۲۲ جون ۲۰۰۶، دادگاهی

در استراسبورگ حکم دولت ترکیه مبنی بر دیپورت یک زوج ایرانی به ایران را ناقض ماده ۳ حقوق بشر دانست و اعلام کرد که بازگرداندن آنان به ایران جانشان را به خطر خواهد انداخت. این زوج ایرانی که با نام‌های "د" و "س" از آنها نام برده شده، از سال ۱۹۹۹ به ترکیه رفته و تقاضای پناهندگی کرده بودند. بنا به گزارشات منتشره، آقای "د" یک فعال سیاسی کرد بوده که در هراس از دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی بطور غیرقانونی به ترکیه رفته و همسر او نیز پس از محکوم شدن به ۱۰۰ ضربه شلاق به همراه فرزندش ایران را ترک کرده است. دولت ترکیه پس از سالها سرگردانی و اذیت و آزار این خانواده در تاریخ آگوست ۲۰۰۳ حکم دیپورت این زوج را صادر نمود. حکم این دادگاه در طرفداری از این خانواده ممکن است که تأثیر قابل توجهی بر روی نتیجه پرونده بسیاری از پناهجویان بلاتکلیف در ترکیه بگذارد که جهنم جمهوری اسلامی را به امید یافتن یک سرپناه امن ترک کرده‌اند و اکنون بخاطر سیاستهای پنانده سنتیز دولت ترکیه در معرض اخراج قرار دارند.



هزاران کشته در عراق در عرض چند ماه

آمار وحشتناک منتشره از سوی پروژه "ماموریت کمک" سازمان ملل در رابطه با تعداد قربانیان ناشی از تداوم اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی و دارودسته‌های ضدانقلابی و ارتجاعی یکبار دیگر پرده از ابعاد رنج و محرومیت مردم تحت ستم عراق در زیر حاکمیت ارتش تجاوزگر آمریکا برداشت. مطابق این گزارش تنها در ۶ ماه اول سال جاری ۱۴۲۸۸ تن از مردم بیگناه عراق قربانی حملات وحشیانه نیروهای آمریکایی و دارودسته‌های مزدور در این

کشور گشته‌اند. این آمار تکان دهنده تنها بر اساس گزارشاتی است که وزارت بهداشت عراق بر اساس گزارشات بیمارستان‌های این کشور در مورد تعداد اجساد دریافتی جمع‌آوری نموده است و ارقام واقعی در این زمینه بسیار بیشتر می‌باشد. به رغم ادعاهای پوچ مقامات آمریکایی در مورد کنترل "عملیات تروریستی" و پیشرفت در برقراری "امنیت" در عراق، مطابق این گزارش تعداد قربانیان روز به روز سیر صعودی طی کرده و از ۷۱۰ کشته در ژانویه به ۱۱۲۹ آوریل رسیده است.



"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

